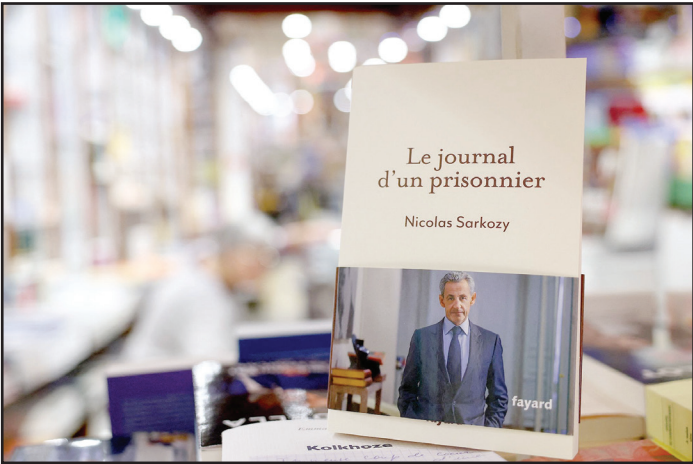




می‌شد و در نهایت به محکومیت غیابی ۶ شهروند تبعه لیبی در سال ۱۹۹۹ از جمله عبدالله السنوسی، برادر همسر معمر قذافی، رهبر لیبی و رئیس دستگاه اطلاعاتی به‌عنوان مغز متفکر این حمله اتجامید. اما به گزارش مجله نیولاینز، نام سنوسی دهه‌ها بعد دوباره به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در ظهور سیاسی یک‌نامزد ریاست‌جمهوری فرانسه، نیکولاس سارکوزی مطرح شد. در ۲۵ سپتامبر، ۱۲ سال پس از افشای روابط سارکوزی با رژیم لیبی، یک دادگاه جنایی پاریس، سارکوزی را به اتهام توطئه با قذافی از طریق سنوسی برای تأمین بودجه کمپین انتخاباتی ریاست‌جمهوری موفق خود در سال ۲۰۰۷ در ازای دریافت مزایای اقتصادی و دیپلماتیک و وعده لغو حکم بازداشت سنوسی، به ۵ سال زندان محکوم کرد.

ایین حکم، سارکوزی ۷۰ ساله را به اولین رئیس دولت فرانسه از زمان فیلیپ پتن، مارشال فرانسوی و رئیس دولت دست‌نشانده فرانسه ویشی (از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴) تبدیل کرد که به زندان می‌رود، بیشتر تمرکز رسانه‌های فرانسوی بر نمایش سیاسی متمرکز بود: چرا حالا که اتهام فساد موسوم به «ماجرای لیبی» از سوی دادگاه رد شده است سارکوزی به زندان می‌رود؟ چرا از اتهامی مانند «توطئه جنایی» که معمولاً برای تروریسم و جرائم سازمان‌یافته در نظر گرفته می‌شود، علیه یک رئیس‌جمهور سابق استفاده می‌شود؟

اما در طول این نمایش سیاسی، تقریباً کسی به این موضوع توجه نکرد که دادگاه قربانیان واقعی «ماجرای لیبی» یعنی خانواده‌های قربانیان پرواز UTA ۷۷۲ رامعرفی کرده و به سارکوزی و دو نفر از متحدان نزدیکش دستور داده که به آنها غرامت نمادین بپردازد. به‌گزارش مجله نیولاینز قضات حکم دادند که کمپین سارکوزی با ورود به مذاکرات مخفیانه با رژیم لیبی و اشاره به امتیازات قضایی ویژه برای سنوسی، زخم تازه‌ای به ایین خانواده‌ها زده است. آنها قربانیان سیاسی انتزاعی نبودند بلکه علاوه بر از دست دادن عزیزان خود دهه‌ها بعد متوجه شدند که از غم و اندوه آنها به عنوان اهرمی برای مذاکره در جهت دستیابی به قدرت سیاسی استفاده شده است.

ماجرای ده دسامبر ۲۰۰۷ و هفت ماه پس از روی کار آمدن سارکوزی برمی‌گردد؛ زمانی که رئیس‌جمهور فرانسه از قذافی که در آن زمان به‌عنوان حامی تروریسم و متهم به نقض حقوق بشر شناخته می‌شد، روی فرش قرمز کاخ الیزه استقبال کرد و او را شریک خود خواند. این اتفاق برای بازماندگان هواپیمای ۷۷۲ بسیار شوکه‌کننده بود؛ دیداری که قرار بود ۷۲ ساعت باشد روز طول کشید.

زمانی که جت‌های فرانسوی به حملات ناتو علیه رژیم قذافی پیوستند، سیف‌الاسلام قذافی، پسر معمر قذافی، ادعا کرد که لیبی در سال ۲۰۰۷ «۵۰ میلیون یورو» بیش از دو برابر سقف قانونی کمپین‌های انتخاباتی فرانسه به سارکوزی کمک‌مالی کرده است. قذافی پیش از سرنگونی خود به خبرنگار روزنامه فرانسوی لوفیکارو گفت: «ما کسانی بودیم که بودجه‌ای را (برای سارکوزی) تأمین کردیم که توانست در انتخابات برنده شود. او از من درخواست حمایت مالی کرد و ما از او حمایت کردیم.»

در آن زمان خیلی‌ها این اظهارات قذافی را تبلیغات یک رژیم درمانده می‌دانستند، اما در آوریل ۲۰۱۲، در میانه یک انتخابات دیگر، رسانه فرانسوی مدیاپارت یک یادداشت داخلی در لیبی را منتشر کرد که تعهد ادعای حمایت مالی رژیم لیبی از تیم سارکوزی را ثبت کرده بود. اگر چه اصالت این سند بعدها در دادگاه مورد بحث قرار گرفت اما این افشاگری‌ها باعث شد قضات فرانسوی در سال ۲۰۱۳ این تحقیقات رسمی خود را آغاز کنند.

تحقیقات دادگاه نشان داد که سارکوزی «به همکاران نزدیک خود اجازه داد تا برای دریافت یا تلاش برای دریافت کمک‌های مالی» جهت تسریع روند کمپین ریاست‌جمهوری خود در سال ۲۰۰۷ سراغ مقامات لیبی بروند. دادگاه سارکوزی را از اتهامات جزئی‌تر فساد و اختلاس تبرئه کرد. با اینکه وعده کمک‌های میلیون دلاری لیبی به ستاد انتخاباتی سارکوزی اثبات نشد اما قضات حکم دادند که صرف اقدام به چنین معامله‌ای که شامل اشاراتی به تسهیل پرونده یک تروریست محکوم‌شده بود، خیانت به جمهوری است. دادگاه همچنین خانواده‌های قربانیان پرواز ۷۷۲ UTA را به‌عنوان قربانیان این خیانت به رسمیت شناخت و به سارکوزی و دو متحد نزدیکش دستور داد به این خانواده‌ها غرامتی نمادین و فقط ۳هزار یورو پرداخت کنند.

توضیحی ارائه نمی‌کند و بلافاصله به لحظه‌ای اشاره می‌کند که لوپن، کارلا برونو را تحسین می‌کند؛ لحظه‌ای که پس از دادگاه، برونو سراغ خبرنگار مدیاپارت می‌رود، قوم بادگیر میکروفن او را از جا می‌کند و آن را روی زمین می‌اندازد. لوپن به سارکوزی گفت: «او این کار را خیلی باکلاس و ملایمت قابل‌توجهی انجام داد.» ۲۰ روز پشت میله‌های زندان و کمی بعد از آن ممکن است فرانسه برای اولین‌بار در نزدیک به یک قرن، یک رئیس‌دولت راست افراطی داشته باشد.

▼ سارکوزی: شیفته قدرت، از الیزه تا دادگاه

نیکولاس سارکوزی فرزند سوم خانواده مهاجری بود که پدر و مادرش در دوران کودکی از یکدیگر جدا شدند. او در نهایت در ۶ مه سال ۲۰۰۷ به ششمین رئیس‌جمهور جمهوری پنجم فرانسه تبدیل شد. (جمهوری پنجم فرانسه نام دولت کنونی است که از ۵ اکتبر ۱۹۵۸ و پس از فروپاشی جمهوری چهارم، توسط شارل دوگل تاسیس شد). اما ماجرای ورود سارکوزی به سیاست از شهرستان «او دو سن» در «نوبی سور سن»، محله‌ای در حومه غربی پاریس برمی‌گردد. در آوریل ۱۹۸۳، آشیل پرتی، شهرداری کهنه‌کار این منطقه پس از ۳۶ سال صدارت بر اثر حمله قلبی درگذشت و در شهری که از نظر سیاسی همیشه آرامش برقرار بود، آشوبی به‌پا می‌شود. در ۲۹ آوریل ۱۹۸۳، در شورای شهر «نوبی سور سن» جنب‌وجوشی برای انتخاب شهردار جدید به‌پا شد چون ایین اولین باری بود که اعضای شورای شهر نوبی باید انتخاباتی برگزار می‌کردند که با مشکل بزرگی مواجه شده بود. این مشکل نامزدی غافلگیرکننده در جوان حدوداً ۲۸ ساله به نام نیکولاس سارکوزی بود که برای شهردار شدن تصمیم شجاعانه‌ای گرفته بود. اعضای شورای شهر او را بسیار جوان می‌دیدند. دو هفته قبل از این جلسه سارکوزی به‌همراه دوست خود پاتریک بالکنی به‌سرعت به دیدار شارل پاسکوا، یکی از اعضای شورای شهر رفتند. در آن زمان پاسکوا برای انجام یک جراحی کوچک در کلینیکی در نوبی بستری بود. سارکوزی به او می‌گوید که باید خیلی سریع از کلینیک مرخص شود چون باید برای شهرداری نامزد شود. شارل پاسکوا فردی نزدیک به شهردار فقید بود. آنها برای کمپین خود فقط ۱۵ روز زمان داشتند و نیکولاس سارکوزی مسئول برگزاری این کمپین شد. سارکوزی جلسات متعددی با اعضای منتخب شهری برگزار کرد تا حمایت آنها را برای رای به شارل پاسکوا جلب کند.

پاسکوا معتقد بود سارکوزی که از سال ۱۹۷۷ در شهرداری نوبی کار کرده کسی است که می‌تواند به انتخاب او کمک کند. اما کار سارکوزی خیلی زود چرخشی به خود گرفت. او متوجه شد که پاسکوا سبک مناسبی برای اداره منطقه اعیان‌نشین نوبی ندارد و نمی‌تواند برای انتخاب او رای کافی جمع کند. بنابراین سارکوزی به این نتیجه می‌رسد که این خودش است که می‌تواند شهردار شود. این فرصت بزرگی برای حیات سیاسی سارکوزی به‌شمار می‌رفت. او اقدامات بسیاری برای متقاعد کردن ۴۹ عضو شورای شهر انجام داد. او سراغ تک تک اعضا رفت، ساعت ۱۰ شب به خانه‌هایشان می‌رفت تا بتواند آنها را متقاعد کند به او رای دهند. از سوی دیگر شارل پاسکوا تمایلی برای متوقف کردن کمپین خود نداشت بنابراین با ژاک شیراک رئیس‌جمهور حزب «تجمع برای جمهوری» که بعدها به «اتحاد برای جنبش مردمی» تغییر نام داد، تماس می‌گیرد و از او درخواست کمک می‌کند. شیراک هم از مشاور خود، برنارد پونس می‌خواهد تا مشکلی به‌نام سارکوزی را حل کند و به او بفهماند که این شارل پاسکوا است که باید شهردار بعدی نوبی باشد. برنارد پونس در مستند «سارکوزی: شیفته قدرت، از الیزه تا دادگاه» می‌گوید: «سارکوزی خیلی سریع به من نشان داد که هیچ مشکلی وجود ندارد. هیچ اتفاقی نیفتاده است. بلکه مشکل حل شده و نیکولاس سارکوزی شهردار بعدی نوبی خواهد بود.»

ژان فرانسوا پروبست، یکی از اعضای پیشین حزب «تجمع برای جمهوری» می‌گوید سارکوزی خیلی جرأت داشت که خلاف گفته‌های ژاک شیراک، رئیس حزب، شارل پاسکوا، نفر دوم و برنارد پونس عمل کرد. پروبست در تماس تلفنی به شیراک می‌گوید: «می‌توانی با شارل پاسکوا تماس بگیری و بگویی که او شهردار نوبی نخواهد شد.» شارل پاسکوا یکی از مقامات برجسته‌ای بود که سارکوزی توانست او را متقاعد کند از رقابت شهرداری کناره‌گیری کند. حالا سارکوزی برای رسیدن به مقام شهرداری باید اکثریت آرای شورای شهر یعنی دست‌کم ۲۵ رای را به‌دست می‌آورد و در نهایت با کسب ۲۶ رای توانست به اولین موفقیت سیاسی خود برسد.

▼ سقوط سارکوزی پس از ۳۵ سال

در ۱۹ سپتامبر سال ۱۹۸۹ هواپیمای پرواز ۷۷۲ شرکت فرانسوی UTA در انجamina، پایتخت کشور جاد به پاریس می‌رفت که لاشه آن در شن‌های اخابی‌رنگ صحرای تنره پیدا شد. هیچ‌کس جان سالم به‌در نبرد. نتیجه بررسی‌ها حاکی از وجود یک بمب در چمدانی در بخش بار هواپیما بود که باعث شد هواپیما به دو نیم تقسیم شود و در صحرای سقوط کند. قطعات تایمر این بمب به سازمان اطلاعاتی لیبی مربوط

رئیس‌جمهور کنونی در کاخ الیزه بود. او حالا زندانی شماره ۳۲۰۵۳۵ بود. «کسی می‌تواند تناقض چشمگیرتری را تصور کند؟ وضعیتی مضحک‌تر؟» سارکوزی شجاعانه تلاش می‌کند نسبت به خودش ترحم نداشته باشد، اما در هر صورت واضح است که سلول شماره ۱۱ را دوست ندارد. سلولی با میز و صندلی به‌درد نخور و دوش حمام هم بدتر از آن. تشک خواب سفت‌ترین تشکی است که تابه حال احساس کرده و آینه آنقدر پایین نصب شده که سارکوزی باید «دولا خم شود تا موها یا ریشش را مرتب کند.» به‌دلائل امنیتی او در سلول انفرادی قرار داشت و دو نگهبان شب تا صبح نگهبانی می‌دادند.

سارکوزی که مدت‌هاست اهل دویدن است و مشروبات الکلی نمی‌خورد، روتینی دارد که تلاش می‌کند تعادل فیزیکی و ذهنی خود را حفظ کند. غذای زندان را نمی‌خورد و با خوردن ماست، اسنک‌های انرژی‌زا، آب معدنی، آب سیب و «چند شیرینی» که اجازه داشت در یک یخچال کوچک نگه دارد، خود را سیر می‌کرد («نه تمایلی دارد و نه اینکه بلد باشد آشپزی کند» سارکوزی وجود بشقاب داغ را نادیده می‌گیرد، حتی با اینکه یکی از رئیس کارکنان پیشین طرز تهیه تخم‌مرغ آب‌پز را نوشته است.) با این حال سلول او یک تلویزیون دارد و اجازه دارد از یک تردمیل استفاده کند. اتاقش «تمیز و نسبتاً نورانی» است. او می‌نویسد اگر خوراکی‌های انرژی‌زا و چشمی روی در نبودند، انگار که در یک «هتل ارزان قیمت» زندگی می‌کرد.

سارکوزی در کتاب خود به لحظه‌ای اشاره می‌کند که روح هر زندانی را آزرده می‌کند. او می‌نویسد: «از اولین یکشنبه می‌ترسیدم.» همسرش، کارلا برونو، مدل و خواننده و ۴ فرزندش در کنارش نبودند. سومین نوه‌اش زمانی که در زندان بود به‌دنیا آمد. سارکوزی می‌نویسد در طول ۱۸ سال ازدواجش او و برونو تا زمانی که به زندان افتاد هیچ‌وقت بیشتر از چند روز از هم دور نبوده‌اند. (سارکوزی ادعا می‌کند اصرار داشته با او همانند دیگر زندانی‌ها بر خورد شود، اما وب‌سایت مدیاپارت اخیراً گزارش داد که وزیر دادگستری فرانسه برای اعطای امتیاز ویژه بازدید مداخله کرده بود). در مدت زمانی که سارکوزی در زندان بود، هر روز دسته گل بزرگ و مرموزی به خانه سارکوزی و برونو ارسال می‌شد. روی کارت این دسته گل همیشه یک پیام نوشته شده بود: «کونت مونت کریستو.» گویا فرستنده یکی از دوستان سارکوزی بوده که برای تقویت روحیه این خانواده گل می‌فرستاده.

سارکوزی ادعا می‌کند که مردی ملایم، «احساساتی لاعلاج» و بخشنده است اما شرایط فعلی او را مجبور به ارزیابی دوباره کرده است. مشخص نیست که سارکوزی چگونه در مدت ۲۰ روز توانسته شاهکار الکساندر دوماس، زندگینامه حضرت عیسی مسیح، «نامه به یک گروگان» آنتوان دو سن اگزوپری و کمی سارتر بخواند و در کنار آن کتاب هم بنویسد، اما این تجربه تأثیر مطبوعی داشته است. سارکوزی توضیح می‌دهد، کتاب دوماس «پیام دوگانه‌ای را می‌رساند. بالطبع تولد دوباره، اما همچنین انتقام. ادموند دانتس تمام افرادی را که او را آزرده‌خاطر کرده بودند، فراموش نمی‌کند بلکه «تک‌تک شاک‌ی‌ها را پیدا می‌کند و آنها را تحت مجازاتی که حق‌شان است، قرار می‌دهد.»

به‌گزارش نیویورکر «خاطرات یک زندانی» در حال حاضر پرفروش‌ترین کتاب در سایت آمازون فرانسه است. صدها نفر از حامیان او برای دریافت امضا به خانه سارکوزی در پاریس آمدند. اما لورن کالینز، خبرنگار نیویورکر ایین کتاب را در بهترین حالت اثری متوسط معرفی می‌کند. کالینز می‌نویسد: «بخش عمده‌ای از آن مثل مقاله پایان‌ترم کش‌دار است، پر از جزئیات بی‌ربط و تکرارهای اغراق‌آمیز. برای مثال، نه یک بار بلکه دو بار متوجه می‌شویم که «بسیاری از نگهبانان زندان از قلمروهای فرادرزایی فرانسه آمده‌اند» و همواره او را «با عنوان رئیس‌جمهور» خطاب می‌کنند.»

یکی از مباحث مهم کتاب «خاطرات یک زندانی» به بخش سیاست برمی‌گردد. دهه‌ها بود که سیاستمداران فرانسوی، از چپ افراطی گرفته تا راست میانه از توافقی به‌نام «جبهه جمهوری‌خواهان» حمایت کردند و در انتخابات‌های مهم، فارغ از هر عقیده‌ای، با یکدیگر متحد می‌شدند تا از به قدرت رسیدن جبهه ملی راست‌گرایان که حالا با نام «مجمع ملی» شناخته می‌شوند، جلوگیری کنند. سارکوزی در میانه روایت خود، که تا قبل از آن انعطاف‌پذیر و آسیب‌پذیر است و با عزم ثابت دیگر به سیاست برنمی‌گردد، روایتی شوکه‌کننده دارد: او به مارین لوپن، رئیس پیشین حزب مجمع ملی قول می‌دهد که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۷ دیگر از جبهه جمهوری‌خواهان حمایت نکند.

این چرخش رویکرد کاملاً غیرمنتظره نبود: وینسنت بولوره، یکی از حامیان دیرینه سارکوزی و مالک انتشارات فایارد و ناشر کتاب «خاطرات یک زندانی» تمام تلاش خود را برای پیروزی راست‌های افراطی انجام داده است. اما این اقدام برای یک رئیس‌جمهور فرانسه بی‌سابقه است و لیبرالیسون هم آن را «گامی حیاتی در اتحاد راست‌گرایان با راست‌های افراطی» خوانده است. سارکوزی همچنان حامیان وفادار خود را دارد. او برای این تغییر عقیده خود

رویداد



واکنش نتانیاهو به حمله در جشن حانوکا:

استرالیا خشم یهودستیزی را شعله‌ور کرد

پس از تیراندازی مرگبار در جشن «حانوکا» در ساحل بوندای در استرالیا تاکنون ۱۱ نفر کشته و ۲۹ نفر زخمی شده‌اند. این حمله در گردهمایی بیش از هزار نفر برای جشن اولین روز حانوکا، یکی از جشن‌های باستانی یهودیان رخ داد. این جشن هشت شبانه‌روز ادامه دارد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در واکنش به این حادثه‌تیراندازی گفت: «آنچه‌در استرالیا اتفاق افتاد وحشتناک است. تنها راه شکست دادن یهودستیزی، مقابله با آن است، همانطور که در اسرائیل این کار را انجام می‌دهیم.» نتانیاهو گفت: «ما در حال نبرد علیه یهودستیزی جهانی هستیم و راه مقابله با آن، محکوم کردن و مبارزه با آن است.» او تأکید کرد: «سه ماه پیش به (آنتونی آلباینز) نخست‌وزیر استرالیا نوشتم که سیاست آنها در حال دامن زدن به گسترش نفرت از یهودیان در استرالیا است. یهودستیزی، سرطانی است که وقتی رهبران سکوت می‌کنند و اقدامی نمی‌کنند، گسترش می‌یابد.»

آنتونی آلباینز نخست‌وزیر استرالیا تیراندازی دیروز را حمله هدفمند علیه یهودیان استرالیا توصیف کرد و گفت تمام ظرفیت‌ها و منابع برای تأمین امنیت و حفاظت از آن‌ها به کار گرفته خواهد شد. به گزارش شاهدان عینی در جریان تیراندازی که حدود ۱۰ دقیقه طول کشید، صدای ۴۰ تا ۵۰ شلیک شنیده شد. به‌گفته‌پلیس یکی از مهاجمان کشته‌و دیگری به‌شدت زخمی شده است. در شبکه‌های اجتماعی ویدئویی از یکی از افراد حاضر در صحنه منتشر شد که به سمت یکی از مهاجمان می‌رود و در کشمکش‌ی اسلحه را از او می‌گیرد که از سوی مقامات نیوست ویلز او را یک «قهرمان واقعی» خطاب کرد. در نسخه کامل این ویدئو، مرد مهاجم روی پلی می‌رود اسلحه دیگری برمی‌دارد و تیراندازی را دوباره آغاز می‌کند.

به گفته مال لاینون، کمیسر پلیس ایالت نیو ساوت ولز اندکی بعد از وقوع تیراندازی، مأموران پلیس خودرویی را در منطقه ساحلی بوندی شناسایی کردند که تصور می‌شود حاوی چند وسیله انفجاری دست‌ساز باشد و تیم خنثی‌سازی در حال کار روی آن است.

طبق گزارش‌های رسانه‌ای، فردی به نام نوید اکرم ۲۵ ساله، یکی از ضاربان تیراندازی امروز است. به‌گفته وزارت خارجه اسرائیل در میان کشته‌شدگان یک شهروند اسرائیلی بوده است. یکی دیگر از شهروندان اسرائیلی که زخمی شده در بیمارستانی محلی در سیدنی تحت درمان قرار گرفته است.

پلیس استرالیا با بیان اینکه بیش از هزار نفر در زمان وقوع تیراندازی در ساحل حضور داشتند، این حمله را «حادثه تروریستی» خواند و اعلام کرد در حال بررسی این موضوع است که آیا عامل سومی هم در کار بوده یا خیر.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه حمله خشونت‌آمیز در سیدنی استرالیا را محکوم کرد. بقایی در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ما حمله خشونت‌آمیز در سیدنی استرالیا را محکوم می‌کنیم. ترور و کشتار انسان‌ها در هر کجا ارتکاب یابد مردود و محکوم است.»

مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا در شبکه ایکس نوشته که حمله مرگبار روز یکشنبه را به‌شدت محکوم می‌کند. روبیو نوشت: «یهودستیزی هیچ جایگاهی در جهان ندارد. دعا‌های ما با قربانیان این حمله وحشتناک، جامعه‌یهودیان و مردم استرالیا است.» پس از حملات هفتم اکتبر، اعتراضات گسترده‌ای علیه اقدامات اسرائیل در غزه در استرالیا به‌راه افتاد. در ماه سپتامبر استرالیا به‌همراه چند کشور غربی دیگر کشور فلسطین را به‌رسمیت شناخت که انتقادهایی را از سوی دولت اسرائیل به همراه داشت.

گیدئون سער وزیر خارجه اسرائیل با لحنی تند دولت کانبرا را مقصر دانست و مدعی شد که این تیراندازی در مراسم حانوکا نتیجه «تاخ‌وت‌از‌های یهودستیزانه» در استرالیا طی دو سال گذشته است و افزود: «دولت استرالیا نشانه‌های هشداردهنده بی‌شماری دریافت کرده بود و باید به خود بیاید.» به‌گزارش سی‌ان‌ان، سער شعرایی‌مانند «انتفاضه راجهانی کنبد»، «از نهر تا یحر» و فراخوان خشونت علیه ارتش اسرائیل را «نامشروع» و «غیرمجاز» توصیف کرد و هشدار داد که این شعارها «در نهایت به خشونت‌ی از نوع آنچه امروز شاهد آن هستیم منجر می‌شود» و آنها را مستقیماً با حمله ساحل بوندای مرتبط دانست.